

Unit 26

فرض

فرض چیزی است که شما معتقدید درست است اما نمی توانید آن را ثابت کنید.
من با فرض اینکه همه آنجا خواهند بود به کافه تریا رفتم.

جو

جو دانه ای است که برای خوراک دام ، غذای سالم و آبجو استفاده می شود.
این کشاورز برای تغذیه گاوهای خود در زمستان جو پرورش می داد.

جانور

جانور یک حیوان بزرگ و خطرناک است.
شیر یکی از وحشی ترین حیوانات روی زمین است.

سرهنگ

یک سرهنگ یک افسر نظامی است.
جیمز در ارتش ارتقا یافته است. او اکنون سرهنگ است.

مسری

اگر بیماری مسری باشد ، به راحتی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود.
شما باید لباس محافظ بپوشید زیرا بیماری بیمار مسری است.

جسد

جسد بدن مرده ای از انسان است.
پس از حادثه ، جسد به بیمارستان منتقل شد.

بحران

بحران وضعیتی است که بسیار استرس زا یا خطرناک است.
اعتصاب کارگران فرودگاه منجر به بحران در فرودگاه شد.

درمان

درمان به معنای پایان یا ناپدید شدن بیماری یا آسیب است.
دندانپزشک من را از دندان درد درمان کرد.

ناقص شده

اگر چیزی تغییر شکل داده شود ، شکل عادی ندارد و ممکن است زشت به نظر برسد.
اگرچه هویج تغییر شکل داده بود ، اما خوردن آن بی خطر بود.

تبعیض قائل شدن

تبعیض کردن یعنی قضاوت کردن مردم بر اساس ظاهر آنها.
آنها علیه او تبعیض قائل شدند زیرا او متفاوت بود.

سفارت

سفارت محل کار مقامات دولتی در یک کشور خارجی است.

اگر گذرنامه خود را گم کنید ، باید با سفارت تماس بگیرید.

خاموش کردن

خاموش کردن آتش به معنای توقف آن است.

مایکل آتش کوچک را با شلنگ خاموش کرد.

سنگ چخماق

سنگ چخماق سنگ سختی است که مردم برای شکار از آن سلاح درست می کردند.

ابزارهای سنگ چخماق زیادی در موزه وجود دارد.

آزار دادن

آزار و اذیت شخصی به معنای آزار و اذیت وی است.

بچه ها مادرشان را مورد آزار و اذیت قرار دادند زیرا آنها می خواستند مورد توجه مادر قرار بگیرند.

ادغام کردن

ادغام به معنای پیوستن ، برقراری ارتباط و معاشرت است.

دولت ها می خواهند مهاجران با جمعیت ادغام شوند.

مینیاتوری

اگر چیزی مینیاتور باشد ، بسیار کوچک است.

پسر از بازی با قطار مینیاتوری اش که در اتاق خوابش قرار دارد لذت می برد.

تغذیه

تغذیه فرایندی است که در آن افراد از مواد غذایی برای سالم ماندن استفاده می کنند.

اگر می خواهید یک ورزشکار باشید توجه به تغذیه مهم است.

بی درنگ

اگر اتفاقی بی درنگ رخ دهد ، سریع یا به موقع اتفاق می افتد.

بی درنگ وارد شوید ، در غیر اینصورت وقت نمی کنیم درباره همه چیز بحث کنیم.

تکنسین

تکنسین شخصی است که در کار الکترونیکی یا مکانیکی مهارت دارد.

لازم است با تکنسین تماس بگیرم تا در زمینه رایانه به من کمک کند.

مناطق گرمسیری

مناطق گرمسیری مناطقی از خشکی و دریا نزدیک به خط استوا هستند.

مردم دوست دارند برای تعطیلات به مناطق استوایی بروند زیرا گرم است.

مردم های جنگلی

سرهنگ ویلبر و همسرش مری با هواپیمای شخصی خود در حال پرواز بر فراز مناطق استوایی بودند. اما ناگهان موتور

آتش گرفت. خاموش کردن آتش غیرممکن بود ، بنابراین آنها مجبور به فرود در جنگل شدند.

"چه کاری میخواهیم انجام دهیم؟" گفت مریم. "آیا می توانی هواپیما را درست کنی؟"

ویلبور گفت: "این غیرممکن است. من تکنسین نیستم و هواپیما بنزین دارد. ما باید راهنمایی پیدا کنیم."

ویلبور و مری در جنگل قدم زدند. یافتن مسیری از میان درختان دشوار بود. مری حتی لباسش را روی خارهای تیز پاره کرد. ناگهان ، آنها چند کلبه و بسیاری از افراد مینیاتور را دیدند که با سنگ چخماق مشغول پخت و پز و ساخت سلاح بودند.

ویلبور گفت: "من از آنها کمک می خواهم."

"نه! نرو آنها تغییر شکل داده اند!" گفت مریم. "آنها ما را آزار خواهند داد! ممکن است آنها یک ویروس مسری داشته باشند که باعث بیماری ما شود! ما نمی دانیم که چگونه آن را درمان کنیم. اجساد ما مطمئناً بر جای خواهند ماند!"

ویلبور سعی کرد مری را ترغیب کند که به نزد مردم جنگل برود ، اما او از ادغام با آنها خودداری کرد. او این تصور را داشت که مردم کوچک خطرناک هستند. "بیایید راه برویم مطمئناً دیر یا زود کسی را پیدا خواهیم کرد."

به مدت سه روز ، این زوج جستجو کردند ، اما کسی را پیدا نکردند که بتواند به آنها در بحران کمک کند. ناراحت کننده بود ، و آنها بدون هیچ منبع تغذیه ای گرسنه بودند. به علاوه ، جنگل پر از جانوران خطرناک بود. سرانجام ، مری موافقت کرد که به نزد مردم جنگل برگردد.

وقتی ویلبور و مری به روستا رسیدند ، مردم جنگل بلافاصله از آنها استقبال کردند. آنها نان تهیه شده از جو برای خوردن و مکانی برای خواب به آنها دادند. روز بعد ، مردم جنگل ویلبور و مری را از میان درختان هدایت کردند و آنها بلافاصله به یک شهر کوچک رسیدند. آنها از آنجا با اتوبوس به شهر رفتند و در آنجا سفارت را یافتند.

مری متأسف بود که زودتر به مردم جنگل اعتماد نکرد. او ارزش عدم تبعیض درمورد افراد متفاوت را آموخت.